



مادران برنامه «مامان‌ها» درباره مهم‌ترین موضوع بشر یعنی خانواده و تربیت فرزند حرف می‌زنند اما آدم‌های معمولی هستند! شبیه خود ما، شبیه بیشتر مامان‌های واقعی! یکی از اشتباهات حوزه خانواده در رسانه‌های رسمی کشور تصورات یکسان از انواع و اقسام مادرهاست. گویی قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای برای مادری وجود دارد که متر و معیار مادری را می‌سازد و هر مادری به اندازه تشابه‌هایی که با آن قالب کلیشه‌ای دارد نمره می‌گیرد

آنتن پربیننده‌ترین شبکه سیما پخش می‌شود. این مادران درباره مهم‌ترین موضوع بشر یعنی خانواده و تربیت فرزند حرف می‌زنند اما آدم‌های معمولی هستند! شبیه خود ما، شبیه بیشتر مامان‌های واقعی! یکی از اشتباهات حوزه خانواده در رسانه‌های رسمی گویی قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای برای مادری وجود دارد که متر و معیار مادری را می‌سازد و هر مادری به اندازه تشابه‌هایی که با آن قالب کلیشه‌ای دارد نمره می‌گیرد. این موضوع به خصوص برای مادرانی که به اصطلاح عادی هستند یا برچسب دیگری جز مادری ندارند پرنرگ‌تر هم می‌شود. جامعه از آنها توقع دارد به هر شکل ممکن کودک‌شان را از شیر خودشان تغذیه کنند، خستگی‌ناپذیر باشند و وقت زیادی را با حوصله به کودک‌شان اختصاص بدهند. دست‌پخت دلچسب و ایده‌آلی داشته باشند. نقش تلویزیون و بازی‌های دیجیتال را تمام و کمال برای فرزندشان بازی کنند و اگر در موردی به استیصال برسند یک جمله بشنوند: «این هنر زن بودن و مادری است که باید خودت داشته باشی» این قبیل کلیشه‌ها و این قبیل جملات که به زور شاید از ۱۰ کلمه هم تشکیل نشوند، می‌توانند یک زن را از پا دریاورند و با از پا درآمدن او یک خانواده را به هم بریزند. اما وقتی این ایده‌آل‌ها و کلیشه‌ها در برنامه‌ای توسط خود مادران به چالش کشیده می‌شود و بی‌آن که حس بدی داشته باشند این فرضیات را رد می‌کنند حس بی‌نظیری به مخاطبی که برچسب‌های ناجوانمردانه‌ای به او خورده است داده می‌شود. مامان‌ها در این یکی حساسی موفق بوده‌است.

گريز از مرکز

اگرچه به شخصه این برنامه تلویزیونی را بسیار دوست دارم. اما با همه علاقه‌ام دوست دارم یک ایراد مهم از او بگیرم تا در صورت ادامه و ساخت فصل‌های بعد بهتر پیش برود. یکی از مشکلات مامان‌های فعلی شهری بودن بیش از حد مهمانان است. اگر شهری نبودن و دور از مرکز بودن برنامه‌سازی را سخت می‌کند. اما حضور مادران غیرشهری و غیرتهرانی به رنگارنگی برنامه و اثر نفوذ آن بیشتر کمک کند. البته اتفاق دوری نیست. امیدواریم که در ادامه این اتفاق هم بیفتد.



بررسی نقاط قوت و ضعف برنامه «مامان‌ها» که تفاوت زیادی با سایر برنامه‌های خانواده محور دارد

کلیشه‌هایی که با «مامان‌ها» شکست

اگر بخواهیم درباره تصویر یک زن خوب در تلویزیون صحبت کنیم شبیه این است که بخواهیم درباره یک شترگاو پلنگ حرف بزنیم. زنان در چند سال اخیر در صورتی به تلویزیون دعوت می‌شوند که احتمالاً تا آنجا که توانسته‌اند تحصیل کرده‌اند، به موقع ازدواج کرده‌اند و چند فرزند دارند اما هیچ کدام از این موارد نتوانسته سرعت‌شان در طی کردن پله‌های موفقیت را کاهش دهد و چه بسا خانواده همه جوره کمک‌شان کرده و یک زن موفق در شغل و فعالیت اجتماعی‌شان هستند. اما این فعالیت اجتماعی هیچ تأثیری در این که از مادری و همسری کم بگذارند نداشته و در این دو مورد هم مثل همه موارد قبلی سنگ تمام گذاشته‌اند. بله، باید بگویم این زن همه کاره‌ای که ملاحظه کردید زن ایده‌آل سال‌های اخیر در رسانه است. زنی که آمده است الهام بخش باشد اما هیچ کدام از هم جنس‌هایش نه تنها نمی‌توانند با او ارتباط بگیرند بلکه روز به روز فروخورده‌تر می‌شوند و حال‌شان از وضعیتی که دارند به هم می‌خورد.

عطیه همتی
روزنامه‌نگار

کسی شبیه خودشان بنشینند و از تجربه‌های خوب‌شان بشنوند تا این که کسی از منظر یک دکتر، کارشناس و روان‌شناس به شکل یکطرفه برایشان صحبت کند. حتی روان‌شناس بهتر است از منظر یک مادر یا موقعیتی مشابه مخاطبش شروع به صحبت کند و از تجربیات واقعی و

اگر از تصاویر زنانی که در اکثر فیلم‌ها و سریال‌ها می‌بینیم فاصله بگیرم و از زنانی که حالشان از شرایطشان به هم می‌خورد بگذریم، می‌خواهم تصویر دیگری را نشان‌تان بدهم. چند زن دور هم نشسته‌اند و مشغول حرف زدن هستند. در حین صحبت‌هایشان می‌خندند. بحث می‌کنند. توی حرف هم می‌آیند و گاهی حتی صدایشان را بالا می‌برند. شوخی‌های رنگ و رو رفته جنسیتی برای جمع‌های زنانه اغلب مفاهیم زننده‌ای دارند و عبارت‌های آزاردهنده‌ای را استفاده می‌کنند که از کلیشه‌های ذهنی که به خوردشان داده شده بهره می‌گیرد. لابد در حال غیبت و حرف‌های خاله‌زنکی هستند. همین کلیشه غیرمستقیم می‌خواهد بگوید اگر چند زن دور هم جمع شدند حرف‌های مهمی نمی‌زنند! اصلاً آنها چه حرف‌های مهمی دارند که بگویند؟ اگرچه تلخ اما باید بگویم این نگاه‌های جنسیت‌زده و کلیشه‌ای همچنان وجود دارد و خود تولیدات و شوخی‌های رسانه‌ای به آن قدرت بخشیده است.

کارشناسی که نباید کارشناس باشد!

در طول دورانی که در حوزه خانواده فعالیت می‌کنم به خوبی فهمیده‌ام اگرچه کارشناسان این حوزه کمک‌های زیادی به خانواده‌ها می‌کنند، اما جامعه پذیرش بیشتری نسبت به حرف افراد از جنس خودشان دارد. آنها ترجیح می‌دهند پای حرف‌های

مادرهایی که کامل نیستند اما واقعی‌اند

حال بیایید نگاهی به برنامه تازه‌وارد «مامان‌ها» در شبکه سه سیما داشته باشیم. برنامه‌ای کاملاً زنانه، رنگی، شاد و حتی استودیویی که شبیه خانه طراحی شده است و مهمانانی که به جای استفاده از جملات عصاقورت‌داده، شبیه زندگی روزمره حرف می‌زنند. اما آنها از چه حرف می‌زنند؟ مگر این جمع زنانه چه حرفی برای گفتن دارد که حتی ساعت پخش آن با معمول برنامه‌های زنانه همخوانی ندارد؟ برنامه «مامان‌ها» چه خودش حواسش باشد و به عمد این کار را کرده باشد و چه غیرعمد برخی از کلیشه‌های برنامه‌سازی تلویزیون در حوزه زنان و خانواده را شکسته است. مدعوین برنامه قرار نیست از جنس مادران همه‌کاره و همه چیزتمام مورد علاقه تلویزیون باشند. آنها هرچه خوانده‌اند و هرچه شده‌اند را پشت دوربین گذاشته‌اند و می‌خواهند روبه‌روی دوربین فقط درباره مادری حرف بزنند. آن‌هم نه مادری صورتی و قلب‌قلبی غلطی که کلیشه ذهنی ماست؛ درباره واقعیت مادری و تربیت فرزندهایشان در موقعیت‌های مختلف زندگی در جامعه امروز. هیچ‌کدام هم کامل نیستند. قرار هم نیست باشند. آنها درباره تفاوت‌ها و استراتژی‌های مادرانه‌شان حرف می‌زنند. جدل می‌کنند و قرار هم نیست کسی



به عنوان مادر نمونه شناخته شود. بلکه بیننده هر بار موقعیت‌های مختلف را در نظر می‌گیرد و با مادر ملموسی که روی صندلی و اتاقی شبیه یک خانه نشسته همدات پنداری می‌کند. آن هم نه یک مادر کارشناس تئوری قورت‌داده که قرار است جلوی تلویزیون هرچه درس خوانده را پس بدهد؛ بلکه مادری که بیننده با او فاصله‌چندانی را احساس نمی‌کند.